

جهان بدون مرز مثل لباس بدون درز!

نویسنده : لعلیا اعتمادی

۴۰

حرف اوّل

راستش را بخواهید ما هم مثل شما خیلی وقت است که با این واژه غریب و ناآشنای جهان بدون مرز، آشنایی داریم؛ اما این که واقعا پدر و مادرش کیست و آیا اصلاً پدر و مادری دارد یا این که از زیر بته ای چیزی درآمده، هیچ نمی دانیم. فقط این را می دانیم که برای حفظ کلاس هم که شده باید وانمود کنیم که ما هم بله!

معنای واژه جهان بدون مرز

وقتی سخن از جهان بدون مرز می شود خیلی از آدم ها یاد قسط های عقب افتاده بانک هایشان می افتند و جیب های همیشه خالی باباهایشان که هیچ حد و مرزی برای خالی بودنشان وجود ندارد؛ اما بجز اینها معانی دیگری نیز برای این واژه در نظر گرفته شده که برای خالی نبودن عریضه به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۱. جهان بدون مرز، مثل لباس بدون درز است.

۲. جهان بدون مرز، مثل کاغذ بی خطی است که می توان روی آن هر چیزی نوشت یا حتی لج کرد و چیزی ننوشت.

۳. جهان بدون مرز، مثل عشق مادر است؛ همان مادری که قربانش بروم، رگ خواب بابا دستش است.

۴. جهان بدون مرز، مثل کیف بی صاحبی است که می شود با خیال راحت، پول های آن را خرج کرد.

۵. جهان بدون مرز، مثل هندوانه سرخی است که هیچ مزه ای ندارد.

۶. جهان بدون مرز، مثل آب نبات نعنایی است که وقتی بازش می کنیم، مزه توت فرنگی می دهد.

جهان بدون مرز یا همان سوپ عدس

همان طور که از فواید سوپ عدس، آش رشته و آب گوشت پرچرب گفته اند و از کالری زیاد و انرژی بالای آن، از فواید جهان بدون مرز نیز بسیار گفته اند و شاید به اغراق بتوان گفت همان طور که سوپ عدس، کلی خاصیت

دارد و برای درمان یبوست و کم خونی و ضعف جسمانی مفید است، جهان بدون مرز نیز به عنوان یک مُلّین و تقویت کننده اعصاب، برای کلی درد بی درمان دیگر مفید است (به شرط آن که سر ساعت و با روز مشخص مصرف شود). به همین خاطر، برای روشن شدن مطلب و برای این که نشان بدهیم با کسی خرده حسابی، چیزی نداریم، در زیر به چند مورد از این مُلّین ها اشاره می کنیم.

۱. مشارکت دختران و پسران فراری در طرح های بلند مدت توسعه.

۲. تجارت کودکان به عنوان راه کاری مناسب برای پر کردن اوقات فراغت آنها.

۳. ایجاد امکاناتی لازم به منظور تسهیل در امر طلاق و طلاق کشی.

۴. تقویت روحیه چشم و هم چشمی، بی چشم و رویی و نمک شناسی در بین جوانان.

۵. رفع معضل گذاشتن کیسه های زباله برای مردان سر ساعت نه جلوی در.

جهان بدون مرزنشینی به جای آپارتمان نشینی

پیش از آن که از جهان بدون مرزنشینی بگوییم بهتر است از زندگی آپارتمان نشینی بگوییم. آخر هر چه باشد، نشستن، نشستن است، حالا چه آپارتمان نشینی باشد چه هر نشینی دیگری. از اینها گذشته، زندگی آپارتمان نشینی، یک قل، دوقل بازی کردن نیست که هر کس از گرد راه نرسیده و عرق تنش خشک نشده، از پس آن برآید؛ بلکه کسی می تواند این زندگی را تجربه کند که اولاً یک بسته پول قلمبه توی جیبش داشته باشد و همچنین یک دوره کارآموزی برای مهارت در امر زمین شویی، سرک کشیدن در زندگی خصوصی دیگران و قاپیدن خواستگارهای پولدار گذرانده باشد. حالا با این اوصاف، چه طور ممکن است که زندگی آپارتمان نشینی، فرهنگ مخصوص به خود داشته باشد؛ امّا جهان بدون مرزنشینی، فرهنگ خودش را نداشته باشد. به همین خاطر، برای این که به شما ثابت کنیم که روی حرفمان ایستاده ایم و از چیزی هم نمی ترسیم، به چند مورد از این ویژگی ها اشاره می کنیم.

۱. در این فرهنگ، اولویت با شکم و جیب است. یعنی هر چه جیب، پف دارتر و شکم، گرد و قلمبه تر باشد، فرهنگ جهان بدون مرزنشینی بیشتری در آن رعایت شده است (نکته: آدم های لاغر و مردنی عمرا در این فرهنگ جایی داشته باشند).

۲. در فرهنگ جهان بدون مرزنشینی، ترحّم، اهداف بشر دوستانه و این طور مسائل گریه دار و اشک آلود، راهی ندارند و آنچه که در درجه اول اهمیت قرار دارد خودت هستی و آنچه که دلت می خواهد و این حق قانونی توست

که به چیزهایی که دوستشان داری بررسی. حالا این چیز می تواند یک دایناسور ماقبل تاریخ باشد یا یک جعبه بیسکویت کرم دار بزرگ.

۳. تغییر و تحول در این فرهنگ، نقش مهمی دارد و مهم هم نیست که این تغییر و تحول در چه حد و اندازه ای و از چه نوعی باشد. می تواند تغییر و تحول در رژیم غذایی از گیاه خواری به علف خواری یا در آمار بالای تجدیدی و رفوزگی باشد یا در تعداد چک های برگشتی و یا تعداد کتک های خورده شده باشد.

۴. در جهان بدون مرزنشینی حد و حدودی میان کارها و علایق آدم ها وجود ندارد. در این جا دیگر هر خانه بازی می تواند خانه خود آدم باشد. درست مثل مدرسه که می گویند خانه دوم بچه هاست حالا این خانه هم می تواند خانه سوم یا چهارم یا حتی دهم باشد و هیچ محدودیتی در تعداد این خانه ها وجود ندارد.

جهان بدون مرز یا جهان سوت ه

از آن جایی که داشتن جهان بدون مرز، یکی از آرزوهای بزرگ و دست نیافته همه ما آدم هاست، آرزویی که خیلی وقت ها برخلاف تصور، دست یافتنی بوده و هزینه ای هم در بر ندارد و به جرئت می توان گفت با سه سوت هم می شود ته توی قضیه را درآورد، اما با وجود همه این حرف ها مشکل اصلی در این جا بر سر نوع سوت است نه هزینه و دست یافتنی بودن و یا نبودن آن. این که سوت از چه نوعی باشد: سوت بازی، سوت پلیسی، سوت ورزشی، سوت بلبلی و یا سوت... خیلی فرق می کند. پس لطفا قبل از هر داد و قالی و گرفتن هر تصمیم عجولانه ای نوع سوتتان را انتخاب کنید. بعد راه کارهایی را که برایتان پیشنهاد می کنیم امتحان کنید.

راه کار اول: سعی کنید هر دری را که سر راهتان سبز شد از جا کنده و دور بیندازید. حالا این در می خواهد گلاب به رویتان در دستشویی یا موال باشد یا در یک ماشین صفر کیلومتر نمره نشده. اگر هم امکان جابه جایی دری برایتان وجود ندارد آن را بشکنید. اصلاً هم نگران چیزی نباشید آخر توی جهان بدون مرز از این اتفاقات زیاد می افتد، کاری اش هم نمی شود کرد.

راه کار دوم: برای کم نیاوردن پیش برو بچه ها یک کامپیوتر قسطی بخرید و بگذارید گوشه اتاقتان تا هم گرد و خاک بخورد و هم دکوراسیون اتاقتان جور باشد.

راه کار سوم: اگر می خواهید جهان بدون مرز را با تمام وجود حس کنید بهتر است که از تفریحات سالم زیاد استفاده کنید؛ زیرا شواهد نشان داده است که تفریحات سالم، همیشه و همه جا به عنوان یک حلال قوی و مناسب برای داشتن جهان بدون مرز بوده است. البته در این جا منظور از تفریحات سالم، همان شکستن گلدان بر سر مدیر عامل شرکت است یا کردن میخ و سوزن و قیچی و هر چیز تیز دیگری به جای پول توی باجه تلفن و یا پوشیدن یک پیژامه راه راه که از صد متری هم تابلو باشد.

رابطه زنان و جهان بدون مرز

بر اساس نظریه گروهی از بی مرزداران، زنان و جهان در رابطه مستقیمی با یکدیگرند؛ زیرا اولاً هر دو دارای چهار حرف بوده و به «ان» ختم می شوند. دوم، فلسفه ایجاد جهان بدون مرز همان زنان بودند؛ زیرا از زمانی که زنان خودی نشان داده و همه میزها و پست های دولتی و غیر دولتی را اشغال کردند، سر و کله جهان بدون مرز نیز پیدا شد. بعد از آن بود که موضع زنان در قبال مردان تغییر کرده، زنان به طور آشکار، دست به مخالفت با مردان برداشته اند؛ زیرا بر اساس این نظریه این حق قانونی زنان است که مخالفت کنند و برای این مخالفت نیز نیاز به هیچ دلیل و مدرکی ندارند. فقط همین که حس کنند زندگی برایشان یک نواخت و کسل کننده شده، برای تنوع هم که شده می توانند دست به لج و لجبازی زده، ساز مخالف بزنند و مردان هم در مقابل، حق ندارند که به آنها اعتراض کرده، حتی به روی مبارکشان هم بیاورند که اتفاقی افتاده است و باز نیز بر اساس نظریه همان گروه جهان بدون مرز، باعث شده است تا زنان با خیال راحت به تحصیل و کار پرداخته، مردان هم، چشمشان کور، دندشان نرم، بروند بچه داری و خانه داریشان را بکنند.

البته این کار از دو لحاظ هم برای زنان و هم برای مردان مفید بوده است. اول این که زنان از غذا پختن و بچه داری و بشور و بساب کردن راحت شده، در مقابل مردان، آشپزان بزرگی شده اند. دوم این که دیگر لازم نیست مردان غصه عقب افتادن اجاره خانه و قسط هایشان را بخورند؛ چون از حیطة وظایف آنها خارج است و در مقابل، این زنان هستند که باید چک اجاره را پاس کنند.

عوامل اصلی ایجاد جهان بدون مرز

سؤالی که شاید ذهن شما و آدم های بیکاری مثل شما را به خود مشغول کرده باشد این است که اصولاً علت ایجاد جهان بدون مرز چیست؟ آخر همان طور که برای خط تولید پفک نمکی و چیپس می توان نیاز روحی و روانی و شکمی کودکان را در نظر گرفت، برای ایجاد جهان بدون مرز هم باید به دنبال علت بود. ما نیز برای این که به شما نشان بدهیم که پاچه خواران و باج گیران خوبی هستیم به چند مورد از این دلایل اشاره می کنیم.

۱. اولین و مهم ترین علت ایجاد جهان بدون مرز، مشکل پول توجیبی بچه هاست. درست از همان زمانی که این مشکل به طور جدی مطرح شد به نظر رسید تنها راه حل ممکن برای رهایی از وضعیت موجود، ایجاد جهان بدون مرز است. بعدها هم این راه کار، صددرصد جواب داد و باعث شد تا تفاوت جیب ها از بین رفته، جیب باباها و جیب بچه ها یکی شود.

۲. دومین عامل مهم، عامل مسکن است که گاهی به اشتباه مُسکن خوانده می شود؛ اما در واقع همان مسکن است که به نام های خانه، آلونک، چهاردیواری، لونه مرغ هم از آن یاد می شود. این عامل (عامل مسکن) درست از آن روزی مطرح شد که پری دوستش سیمین را برای عصرانه به خانه اش دعوت کرد. در همان روز وقتی سیمین

در بدو ورود با اتاق بزرگ و رو به باغ پری روبه رو شد و در مقابل، اتاق مشترک خودش و چهار خواهرش را تصور کرد، حس کرد که دارد حیف و میل می شود؛ به همین خاطر، سیمین تصمیم گرفت برای همیشه به این مسخره بازی ها خاتمه بدهد. آن روز وقتی سیمین با توپ پُر به خانه برگشت و کلی از اتاق دوستش پری گفت، پدر و مادر سیمین تصمیم گرفتند که یک فکر اساسی برای این معضل بکنند؛ اما چون هیچ راه حلی به ذهنشان نرسید، بهتر دیدند که از پدر و مادر پری برای حل این مشکل کمک بگیرند. پدر و مادر پری هم نه گذاشتند و نه برداشتند، پای جهان بدون مرز را وسط کشیدند. پدر و مادر سیمین هم که چاره ای نداشتند، پذیرفتند. درست از همان روزی که بحث پیرامون جهان بدون مرز مطرح شد، مشکلات سیمین نیز مطرح شد؛ زیرا همان روز، چهار خواهر سیمین جُل و پلاسشان را جمع کرده، بدون هیچ خون و خون ریزی ای به زیرزمین نقل مکان کردند.

۳. سومین عامل از عوامل ایجاد جهان بدون مرز، عامل اضافه وزن است. بر اساس تحقیقات گروهی از موزون، اندامان (مانکن دوستان) ایجاد جهان بدون مرز، درست از همان هنگامی که آمار چاقی بالا رفت و مسئله کنترل وزن مطرح شد، به عنوان راه کاری مناسب برای کاهش وزن مطرح گردید. البته در ابتدا جهان بدون مرز چیزی بود مثل کیف و کتاب و جزوه که تک و توک توی دست بچه درس خوان ها رؤیت می شد، آن هم برای جلوگیری از افتادگی شانه و صاف و صوف کردن چاله چوله های قرض و قوله بود؛ اما کم کم این قدر زیاد شد که مثل موبایل و جفجه و تفنگ بادی، توی بساط هر دست فروشی دیده می شد.

۴. آخرین عاملی که به نظر خیلی ها شاید زیاد هم مهم نباشد؛ اما در واقع هر مصیبت و بلای آسمانی و زمینی که سر آدم ها می آید، زیر سر آن است، اینترنت است. از وقتی که سر و کله این غول بی شاخ و دم (این زبان نفهم!) پیدا شد همه چیز به هم ریخت. حالا دیگر به جای این که پسرها به خواستگاری دخترها بروند، این دخترها هستند که از پسرها خواستگاری می کنند. حالا دیگر نمی شود یک دماغ کوفته قلقلی، یک صورت نقاشی نشده و یا یک ابروی کمانی پیدا کرد.

سخن آخر

خدا آخر و عاقبت ما را با این جهان بدون مرزمان به خیر کند! آخر هر آتشی است، زیر سر آن است. از گرانی گوشت و تخم مرغ و میوه گرفته تا کمبود تخت بیمارستان و آمارهای بالای تصادفات جاده ای و هر درد و مرض دیگری.

پس اگر می خواهید سرتان را به باد ندهید، بی خیال موضوع شوید و به فکر جوانی تان باشید، چه معلوم شاید این طوری آخر عمری سرتان را بگذارید و با خیال راحت بمیرید!